



گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان ماموریت خود به افغانستان را به پایان رسانید و خواستار اتخاذ اقداماتی پایدار در سطوح فردی، سازمانی و تشکیلاتی برای امحای عوامل و عواقب خشونت علیه زنان گردید.

کابل (۱۲ نوامبر ۲۰۱۴) - در پایان سفر نه روزه ای که از سوی خانم رشیده منجو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان، عوامل و عواقب آن از جمهوری اسلامی افغانستان صورت گرفت و در جریان آن از ولایت های کابل، جلال آباد و هرات بازدید بعمل آمد، اعلامیه ذیل به نشر رسید:

" اینجانب از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مامور شده ام تا موارد خشونت علیه زنان، عوامل و عواقب آنرا بررسی نموده و توصیه به اتخاذ اقداماتی نمایم که منجر به محو همه انواع خشونت علیه زنان گردد. خشونت علیه زنان و دختران یک معضله گسترده و سیستماتیک بوده که آنان را در طول عمر شان، متأثر میسازد، چه این خشونت در محیط شخصی صورت میپذیرد و یا ساحات عامه واقع میشود. خشونت مانعی فرا راه بهره مندی و استفاده از حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی، کلتوری و انکشافی بوده، و باعث میگردد تا زنان و دختران نتوانند از حقوق شهروندی شان مستفید گردند. اینجانب مراتب امتنان و قدردانی خویش را به دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخاطر دعوت از من برای انجام این سفر اظهار مینمایم. من سپاسگذار تمامی طرف های که به آنها صحبت نموده ام، به شمول مقامات رسمی، نماینده گان سازمان های جامعه مدنی، دفاتر سازمان ملل متحد، و بخصوص قربانیان فردی خشونت ها، میباشم.

پیشینه و حقایق در مورد زنان و دختران در افغانستان

جنگ های مسلحانه و طولانی مدت چهار دهه اخیر در سراسر کشور منجر به افزایش چشمگیر سطح بی ثباتی، ناامنی، خشونت، لاقانونیت، فقر و عدم انکشاف گردیده و مانع عمده برای بهره مندی و استفاده موثر از حقوق بشری توسط مردم افغانستان میباشد. باید تاکید کرد که ناامنی، خشونت های فراگیر بر اساس جنسیت و موجودیت فضای دایمی ترس و ترویح، محافظت و بهره مندی از حقوق بشری توسط زنان و دختران را بشکل نامتوازن متأثر نموده.

میخواهم به این نکته اشاره نمایم که این اولین سفر یک گزارشگر ویژه برای بررسی خشونت علیه زنان، عوامل و عواقب آن به افغانستان نبوده و قبل ازین هم دو گزارشگر ویژه در سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵ بالترتیب به این کشور سفر نموده بودند. اولین سفر گزارشگر ویژه در جریان حاکمیت طالبان صورت گرفت و آن زمانی بود که تبعیض علیه زنان بشکل رسمی مورد تایید بوده و تمامی عرصه های زندگی آنان را متأثر مینمود. علاوه بر موجودیت انواع و اشکال خشونت های شایع، صدور فتوی های که مانع کار، تحصیل و آزادی حرکت زنان میگردد و همچنان تحمیل مقررات پوشیدن لباس های مخصوص در پهلوی دیگر موضوعات تاثیرات تباہ کن و طولانی مدتی را بالای زندگی زنان و دختران در افغانستان گذاشت.

درینجا میخواهم به بعضی از توصیه های که از سوی نخستین گزارشگر ویژه در راپوری که در سال ۲۰۰۰ به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه گردید اشاره نمایم. بر اساس گفته های گزارشگر ویژه: "صلح و امنیت باید به افغانستان بازگردانده شود. در صورتیکه اوضاع بهبود نیابد، مردم افغانستان نخواهند توانست تا از موارد فراگیر نقض حقوق بشری که سرتاسر کشور را برای دهه ها متأثر نموده رهایی یابند." گزارشگر ویژه خواستار پایان بخشیدن به کشمکش های مسلحانه گردیده و خواهان ایجاد یک حکومت وسیع البنیاد گردید که متشکل از اقوام مختلف بوده، از طریق مذاکرات صلح آمیز بوجود آید، تمامی حقوق بین المللی بشری را قبول نموده، تمامی پالیسی های که در مخالفت با کنوانسیون های حقوق بشری که افغانستان آنرا امضا نموده، کنار گذارد." توصیه مهم دیگری که در راپور به آن اشاره گردیده بود این بود که زنان باید در پروسه سیاسی و صلح دخیل شوند. گزارشگر ویژه همچنان توصیه نموده بود که طرف های درگیر در جنگ باید به نقض حقوق بشری زنان و دختران خاتمه دهند، احترام به حق امنیت شخصی را

تضمین نمایند، دسترسی به عدالت و پاسخگویی جرایمی که علیه زنان صورت میپذیرد تضمین نماید، و اقدامات لازمی را برای امحای قوانین، پالیسی ها و رفتارهای تبعیض آمیز اتخاذ نمایند. بعضی از این توصیه ها در اوضاع و شرایطی کنونی افغانستان نیز تا حدی قابل تطبیق میباشد.

دومین سفر گزارشگر ویژه چهار سال بعد از سقوط رژیم طالبان صورت گرفت. در راپوری که در سال ۲۰۰۶ میلادی از سوی گزارشگر ویژه به کمیسیون حقوق بشر ارائه گردید این نکته که بهبود وضعیت زنان ارتباطی تنگاتنگی با تحولاتی سیاسی و اقتصادی گوناگونی که جامعه افغانی با آن روبرو است، بخصوص کوشش های که برای جایگزین نمودن حاکمیت قدرت با حاکمیت قانون صورت میگیرد، دارد. در راپور خاطرنشان شده بود که سطح فوق العاده خشونت علیه زنان و دختران ریشه در سیستم عنعنوی مردسالاری دارد که در آن زنان و دختران هویت مستقل فردی ندارند. موجودیت عنعنات و سنت های پدر سالارانه و تفسیر های نادرست دینی بحیث وسایلی برای مطیع نمودن و استیلای بر زنان و همچنان ارتکاب خشونت های بیشتر مورد استفاده قرار میگیرند. گزارشگر ویژه در راپور این نکته را نیز تصریح نموده بود که: "چندگانگی سیستم قانونی در افغانستان به ساختار های مقتدری که زنان را در محیط های خصوصی و عامه مورد ستم قرار میدهد ترجیح داده، باعث رشد فرهنگ معافیت شده و مواعی را فرا راه زنان و مدافعین حقوق زن ایجاد مینماید." راپور تاکید بر پذیرفتن و رسیدگی به سطح غیر قابل تحمل و بیسابقه خشونت علیه زنان را بصورت اولویت ذکر نموده که در ساحات امنیت و انکشاف اقتصادی نیز مورد بررسی قرار گیرد. وی خواهان اتخاذ اقدامات عاجل برای محافظت زنان و دختران از خشونت شده و تاکید بر ایجاد یک دولت دموکراتیک و همه شمول که قادر به تضمین یک محیط اقتصادی و انکشاف اجتماعی که از آن زنان و دختران مستفید شوند، داشت. باز هم باید گفت که تعدادی از این یافته ها و توصیه ها در اوضاع و شرایطی کنونی افغانستان تا اندازه یی صدق میکنند.

سفر من به افغانستان یک فرصتی است برای تأمل در مورد پیشرفت ها و چالش های نه (۹) سال گذشته در رابطه با امحای خشونت علیه زنان، علل و عواقب آن، در چارچوب گسترده تر حقوق بشر زنان. در حال حاضر، نگرانی های گسترده امنیتی و فضای حاکم ترس سطوح خشونت که زنان و دختران آنرا تجربه میکنند را بیشتر متأثر میسازد. گزارش ها و مصاحبه های متعدد حاکی از ادامه خشونت علیه زنان و دختران در اشکال مختلف و در هر دو محیط عمومی و خصوصی میباشد، از جمله خشونت اعمال شده توسط شوهران و دیگر اقارب، خشونت های مرتبط با ازدواجهای اجباری و قتل از سن - از جمله بد و بدل، زنا با محارم، قتل های به اصطلاح ناموسی، و خودسوزی و مصدوم نمودن خود به دلیل خشونت های خانوادگی و ازدواج اجباری. در رابطه به نوع اخیر خشونت (خودسوزی)، در جریان سفر اخیر من به کلینیک سوختگی در شفاخانه حوزوی هرات، به من گفته شد که زنان و دخترانی که اقدام به خودسوزی میکنند لزوماً قصد خود کشتی را نداشته، بلکه اکثراً برای جلب توجه به حل مشکل شان مبادرت به چنین عمل میکنند. با این هم، آنها صدمات شدیدی را بر خود وارد میکنند، که در برخی موارد باعث مرگ آنها میگردد. این موضوع نیز در گزارش تعقیبی گزارشگر ویژه برای اعدام های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه تایید شده. اشکال دیگری خشونت علیه زنان شامل قتل های هدفی زنان، آزار و اذیت جنسی در محل کار و در اماکن عمومی، و تجاوز به زنان و دختران میباشد.

پیشرفت ها و چالش ها

تصویب و پذیرش موافقتنامه بن در سال ۲۰۰۱ میلادی چارچوبی را فراهم نمود که بر اساس آن حکومت دموکراتیک در افغانستان پایه گذاری شد. در میان دیگر موضوعات، موافقتنامه بن منجر به تصویب قانون اساسی گردید، که در آن اصل برابری حقوقی زنان و مردان گنجانیده شد. این باعث افزایش مشارکت زنان در عرصه های سیاسی و مدنی شده و تعهدی را ایجاد نمود که بر اساس آن حقوق بشر بین المللی محترم شمرده خواهد شد، از جمله از طریق تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان. در طول ۱۵ سال گذشته، پیشرفت های متعددی در ساحات قانون سازی و نهادسازی جهت ارتقاء حقوق بشر به طور عموم و حقوق زنان به طور خاص صورت گرفته، از جمله میتوان به ایجاد کمیسیون حقوق بشر، وزارت امور زنان در سطح ملی و ریاست های امور زنان در سطح ولایات، ایجاد واحد های حقوق بشر و جندر در برخی از وزارتخانه ها، تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان و درین اواخر تهیه و بکارگیری پلان کاری ملی برای تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت به صورت مشخص اشاره نمود.

قانون منع خشونت علیه زنان که توسط فرمان رییس جمهور در سال ۲۰۰۹ بوجود آمد و در آن به مبارزه علیه رسوم، سنت ها و برخوردهای که مخالف با احکام دین مقدس اسلام اند و منجر به خشونت علیه زنان میگردد نیز اشاره گردیده. درین قانون به ۲۲ مواردی که خشونت به حساب می آیند، از جمله تجاوز جنسی، فحشای بالجبر، سوختاندن و مسموم نمودن زنان، اعمال رفتارهای خشونت آمیزی که منجر به خودکشی و یا زیان فزینی به زنان گردد، جراحت و معلول نمودن زنان، ضرب و جرح، فروش زنان جهت ازدواج، بد دادن، ازدواج اجباری، و ازدواج قیل از سن ذکر گردیده اند. قانون منع خشونت علیه زنان یک قدم اساسی جهت محو خشونت علیه زنان و دختران محسوب میشود و در

برگیرنده مجازات و جبران خساره میباشد. برای تطبیق هر چه بیشتر قانون منع خشونت علیه زنان، دولت اقدام به تاسیس یک کمیسیون برای منع خشونت علیه زنان، خارتوالی های اختصاصی در بعضی از ولایات و واحد های رسیدگی به خشونت های فامیلی در بعضی از حوزه های پولیس نموده است. علاوه بر جهت فراهم آوری یک فضای راپور دهی منسجم و پاسخگو، اقداماتی برای جلب و جذب زنان به صفوف پولیس ملی نیز عملی گردیده اند. همچنان با کمک جامعه جهانی سیمناهای متعددی برای ارتقای ظرفیت و آموزش مسولین دولتی مربوطه برگزار گردیده اند.

من از چند طرح اصلاح قوانین که در سال بعد یا پس از آن انجام خواهد شد، از جمله بررسی جامع قانون جزا که در آن جرایم خشونت بر اساس جنسیت و آزار و اذیت جنسی اضافه خواهد شد مطلع شده ام. تهیه پیش نویس قانون تنظیم صلاحیت و عملکرد جرگه ها و شوراها جهت ارائه رهنمود برای حل و فصل مناقشات در تطابق با قانون اساسی، قوانین مربوطه و همچنین شریعت نیز در جریان است. جلسات مشورتی در مورد تهیه پیش نویس قانون جامع فامیل با افراد ذیدخل از جمله علما و مقامات دولتی نیز صورت گرفته است.

در رابطه با معلومات ارایه شده در مورد مشکلات موجود و جدید، مسئله دسترسی به محاکم و عدالت بذات خود برای زنان ودختران چه در چهارچوب عدالت رسمی و یا غیر رسمی موضوع قابل تشویشی بود که بسیاری از مصاحبه ها و ملاقاتها را احتوا مینمود.

بسیاری افراد مصاحبه شونده اظهار داشتند که سیستم عدالت رسمی با کاستی های متعددی روبرو میباشد که موضوعات عدم دسترسی، عدم پاسخگویی، فساد اداری و عدم اطمینان، بخصوص در رابطه با مسائل زنان را در بر میگیرد. این عوامل و همچنین فشارهای متعدد اجتماعی برای حل مسایل فامیلی در حیطه فامیل باعث می شود که زنان بیشتر به سیستم عدالت غیر رسمی و میانجی گری رو بیاورند. کانال های غیر رسمی حل و فصل منازعات مانند جرگه ها و شوراها نیز مورد انتقاد بسیاری از مصاحبه شونده گان بود، زیرا از نظر آنان این نوع کانال ها اصول عدالت، برابری و عدم تبعیض را در موضوعات مربوط به زنان و اطفال زیر پا میگذارند.

مشکل دیگری عبارت از نبود یک میکانیزمی برای تفسیر و تطبیق موثر قوانین توسط مسولین دولتی، بخصوص قانون منع خشونت علیه زنان میباشد. بسیاری از مصاحبه شونده گان اظهار داشتند که عدم پاسخگویی و تبعیض جنسیتی مانع بزرگ فرا راه راپوردهی به پولیس می باشد. علاوه بر آن، عدم تحقیق و تعقیب جرایم مرتکب شده علیه زنان ودختران باعث ایجاد فضای مصونیت گردیده و خشونت را بحیث یک موضوع عادی و قابل قبول جلوه میدهد. اتهام های موجود در رابطه به قضاوتهای تبعیض آمیز و خودسرانه که زنان آنرا تجربه نموده اند نیز میتواند باعث تقویت عدم اطمینان بالای سیستم قضائی رسمی گردد. چالش های موجود در رابطه به تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان، در پهلوی دیگر ادارات، توسط یوناما، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمان های متعدد جامعه مدنی به ثبت رسیده اند.

بر علاوه، بسیاری زنان ودختران مورد ستم و خشونت، بعلت عدم آگاهی از قانون و احکام حمایتی آن، شکایات خود را بعلت ترس از انتقام جویی توسط اعضای فامیل، مشکلات مالی بشمول محدودیت آزادی حرکت و از بیم اینکه نه بحیث قربانی بلکه یک مجرم با آنها برخورد خواهد شد، ثبت نمیکند. بسیاری از مصاحبه شونده گان ادعا نمودند که آنها به اتهام "جرم اخلاقی" دستگیر شده اند، بشمول مواردی که آنها بسبب خشونت های فامیلی یا ازدواج اجباری از خانه فرار نموده اند. زنان و دخترانیکه بعلت خشونت و تحقیر از منزل فرار میکنند اکثرا توسط فامیل، اقارب و مسولین دولتی مورد عتاب قرار گرفته، منزوی شده و درصورت برگشت به منزل به مرگ تهدید میشوند.

تعدادی زیادی از زنان و دختران، بخصوص آنانیکه در دهات و قریه جات زیست مینمایند، در یک محیط نابرابر، عدم توسعه، و سطح بالای بیسوادی و عدم موجودیت امکانات تعلیم و تربیه و کار زندگی میکنند. دریک چنین شرایطی که رسیده گی به موضوعات خشونت با مشکلات روبرو بوده، گرفتن طلاق مشکل بوده، زنان از حق میراث محروم میباشند، آنها از گرفتن حق سرپرستی اطفال ترس دارند و همچنان نمیتوانند به منازل خود برگردند، در چنین وضعیت زنان راه دیگری جز زندگی در محیط پر از خشونت و بدرفتاری ندارند. مراکز حمایتی زنان (خانه های امن) در بعضی ولایات را میتوان منحیث یک اقدام حمایتی برای زنانیکه بسبب تبعیض و خشونت از منزل فرار مینمایند، محسوب کرد. متأسفانه نظریات و اعتقادات در رابطه به خانه های امن و کارمندان آن باعث نگرانی عمیق من میباشند. بعضی افراد به خانه های امن به دید منفی نگریسته و آنرا بحیث مراکزی که زنان را تشویق به فرار از منزل نموده و باعث انجام کارهای غیر اخلاقی آنان و رفتار های که در یک جامعه سنتگرا و مذهبی غیر قابل قبول میباشد و اینکه منحیث روسپی خانه ها و نهادی که باعث فروپاشی فامیل ها میگردد تلقی مینمایند. مصاحبه شونده گانی که در این مراکز من با آنها صحبت نمودم از موجودیت این نوع اماکن اظهار خرسندی نموده و آنرا منحیث آخرین متبادل برای گریز از زندگی خشونت آمیز مینداشتمند. باید تصریح کرد که تعدادی زیادی از زنان و دختران مدت های طولانی الی پنج سال را درین مراکز سپری میکنند. این یک مدت غیر معمولی برای زنان بوده اما با در نظر داشت موارد فوق الذکر

یک نیاز اساسی میباشد. برای طویل‌مدت و میان‌مدت، لازم است تا برای فراهم‌آوری تسهیلات بود و باش زنان و دختران و انتقال آنان از مراکز حمایتی به مکان‌های که دارای سهولیات بیشتری باشد تفکر و برنامه‌ریزی کرد.

در سطح جهانی مراکز حمایتی زنان مکانیسم پذیرفته شده‌اند که برای حفاظت، درمان، خدمات حقوقی و گاهی هم برای توانمندسازی اقتصادی زنان و دختران بحیث افراد مستقل و معتمد به نفس فعالیت میکنند، تا آنانرا بحیث عوامل فعال در توسعه خود تربیه نمایند. مانند بسیاری از مکانیسم‌های دیگر مراکز حمایتی زنان نیز با چالش‌های روبرو‌اند که به تدریج تکامل و تغییر خواهند نمود تا به اهدافی دست یابند که به نفع زنان و کودکان باشد. این روندی است که مراکز حمایتی زنان در افغانستان نیز در جریان توسعه خود از آن خواهند گذشت.

یکی دیگر از چالش‌ها عبارت از زندانی کردن بیشتر زنان و دختران برای "جرایم اخلاقی" میباشد. من از زندان بادام‌باغ در کابل و دارالتادیب اطفال در هرات دیدن نمودم جایی که من با چند تن از بازداشت‌شدگان محکوم شده و پیش از محاکمه صحبت کردم. برخی از آنها صریحاً تصدیق نمودند که قبل از زندانی شدن در معرض خشونت جسمی و یا جنسی قرار داشتند که منجر به فراریا ترک از خانه‌شان گردید. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که جنایات مرتبط به فرار از منزل آنان، از جمله محکومیت به جرم زنا، تجاوز و قتل منجر به محکومیت آنان گردیده. فرار از خانه در قوانین افغانستان جرم شمرده محسوب نمیشود، و این موضوع توسط فرمان‌سزای محکمه نیز تایید گردیده است. من با چندین تن از زنانی که در دو مرکز فوق‌زندان بودند ملاقات نمودم و تعداد زیادی از آنان به اتهام "اقدام به زنا" متهم بودند. صرف نظر از اینکه حالت مدنی‌شان چگونه بود. فرضیه که بر اساس آن آنها متهم شده بودند این بود که احتمالاً در جریان غیبت‌شان از منزل مرتکب رفتار "غیراخلاقی" شده‌اند. مصاحبه‌شونده‌گان همچنین اظهار داشتند که محکومیت آنان بر اساس کوچکترین مدرک اثباتی بوده، تحقیقات بصورت دقیق و جدی صورت نگرفته و راپورهای که بعد از انجام آزمایش بکارت تهیه میشوند بحیث مدرک جرمی علیه آنان بکار میرود. تعدادی قلیلی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که آنها بسبب ارتکاب جرایم 'عادی' مانند سرقت، قاچاق مواد مخدر، تجاوز یا قتل زندانی‌اند.

در جریان بازدیدی که هفته گذشته از سوی رییس‌جمهور اشرف غنی از یکی از محابس کابل صورت گرفت، وی به صراحت خاطر نشان نمود که وی متحمل دیدن افرادی که سهواً از سوی پولیس، خرنوالان و یا قضات محبوس گردیده‌اند، نخواهد شد. وی اضافه نمود که دولت مسوولیت دارد تا از حیثیت و وقار اجتماعی حراست نموده و اتهامات تجاوزات جنسی را جداً شناسایی و به اثبات برساند.¹ در روشنی این بیان، من امیدوارم تا دولت افغانستان از طریق بررسی تمامی قضایای زنان و دخترانیکه در حبس به سر میبرند، از وقار و حقوق بشر زنان محافظت نموده و اطمینان دهد که هیچ نوع بیعدالتی هنگام حل و فصل قضایا صورت نگرفته و نخواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

باوجود وضعیت ناامنی که در سراسر کشور حکمرفا است، به صراحت میتوان گفت که پیشرفتهای در عرصه‌های قانون‌سازی و نهادسازی صورت گرفته است. این نشانگر موجودیت اراده سیاسی برای ارتقاء و محافظت از حقوق زنان میباشد که انتصاب زنان در مشاغل عالی دولتی نمونه بارز آن محسوب میشود. با این حال دستاوردهای که در بالا ذکر گردید، نباید ما را از این حقیقت منحرف کرد که خشونت علیه زنان یکی از موارد قابل‌تشویش در افغانستان میباشد. در شرایط فعلی یک سیستم جامع و منسجمی که با کارگیری آن دولت و یا مردم بتوانند به مقیاس بزرگی این پدیده درکشور پی ببرند، وجود ندارد. باوجود اینکه ادارات دولتی و سازمان‌های جامعه مدنی ارقام و احصایه‌های مربوط به خشونت را جمع‌آوری مینمایند، همه این تخمین‌ها مورد اختلاف بوده و مربوط به این میشود که با کدام طرف صحبت شده و یا از آنها معلومات گرفته میشود. نبود میکانیسم‌های موثر برای تطبیق و تفسیر موثر قوانین مستلزم توجه دولت افغانستان بوده، همچنانیکه لازم است تا منابعی مورد نیاز برای حل دوامدار این مشکل تخصیص داده شوند.

قابل‌یادآوریست که افغانستان ملزم به اجرای تعهدات حقوقی بین‌المللی خویش، بخصوص تعهداتی که در کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق طفل ذکر گردیده، میباشد. دولت مسوولیت دارد تا با اتخاذ اقدامات لازم به تمامی انواع و اشکال خشونت علیه زنان و دختران خاتمه دهد. این مسوولیت‌ها شامل محافظت، جلوگیری، بررسی، مجازات و فراهم‌آوری زمینه‌های جبران خسارت بشمول غرامت نقدی میباشد. علاوه‌تاً دولت مسوولیت دارد تا در پهلوی مجازات‌عاملین خشونت‌ها، آن‌عهده مسوولین دولتی را که در محافظت و جلوگیری نقض حقوق بشری زنان و دختران بسبب غفلت و یا اقدامات ناکافی بازمانده‌اند مسوول ببندارند.

مهم است تا بدانیم که خشونت علیه زنان و دختران، نقض حقوق بشر بوده که ریشه در اشکال مختلف و متقاطع تبعیض و نابرابری دارد، و اینکه قویاً به وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان مرتبط است. اهمیت مسوولیت‌پذیری را

¹ <http://president.gov.af/en/news/president-ghani-i-cant-tolerate-to-see-our-people-imprisoned-for-mistakes-by-police-prosecutors-or-judges>

نمیتوان بیش ازین مورد تاکید قرارداد، بخصوص در زمینه مصونیت گسترده ایکه در رابطه به خشونت های که در محیط های خصوصی و عامه وجود دارد. پاسخگویی در رابطه به جرایمی که علیه زنان بوقوع میبوند و همچنان توانمند سازی زنان باید محور توجه ادارات مستقل دولت، سازمانهای جامعه مدنی و جامعه جهانی قرار گیرد. لازم است تا منافع زنان و دختران در افغانستان راهنمای برای واکنش همه طرف های ذینفع بوده تا راه حل های در سطوح فردی، نهادی و تشکیلاتی برای امحای خشونت علیه زنان و دختران و عوامل و عواقب آن دریافت گردد.

یافته های اینجانب در گزارشی مفصلی که در ماه جون سال ۲۰۱۵ میلادی به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه خواهد نمود مورد بحث قرار خواهد گرفت."

خانم رشیده منجو (تبعه افریقای جنوبی) از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ماه جون سال ۲۰۰۹ میلادی بحیث گزارشگر ویژه در رابطه به خشونت علیه زنان، عوامل و عواقب آن مامور گردید. منحصت گزارشگر ویژه، وی وظایف خویش را مستقلاً و در ظرفیت شخصی و بدون ربطی به دولت و یا سازمانی به پیش میبرد. وی همچنان بحیث پروفیسور در دبیرتمنت حقوق عامه پوهنتون کیپ تاون نیز ایفای وظیفه مینماید.

برای آگاهی بیشتر درین مورد به آدرس مراجعه نمایید:

<http://www.ohchr.org/EN/Issues/Women/SRWomen/Pages/SRWomenIndex.aspx>

برای معلومات بیشتر در مورد ماموریت گزارشگر ویژه لطفاً به آدرس ذیل مراجعه کنید:

<http://www.ohchr.org/EN/Issues/Women/SRWomen/Pages/SRWomenIndex.aspx>